



## تحلیل روانشناختی عشق و حسادت در کتاب در وادیهای عشق اثر آندره مورآ

مریم هوشیار

گروه زبان انگلیسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

### چکیده

کتاب در وادیهای عشق اثر آندره مورآ که در قالبی اعتراف گونه نوشته شده است، مفهوم عشق را با ویژگی های متعارف با شرایط زندگی مدرن بیان می کند. مورآ به شیوه پروست به تشریح پیامد های حسادت در ارتباطی عاشقانه و تالمات روحی ناشی از تردید و بدگمانی می پردازد. این کتاب روایتی از کشمکش های روانی، سیر خاطرات راوی آگاه از اشتباهات و حسادت های بیمارگونه ای است که در صدد توجیه خود برآمده است. تعبیرش از عشق، ارضای حس خودخواهی و مالکیتی افراطی است که به حسادت تبدیل می شود. این مقاله با ساختاری توصیفی- تحلیلی و با روش کتابخانه ای در تطابق با الگوی دیاکرونیک (در زمانی) ویژگی های روانشناختی کتاب در وادیهای عشق را بررسی می کند.

**کلمات کلیدی:** عشق، حسادت، روانشناختی، مورآ



## مقدمه

در *وادیهای عشق* اثر آندره موروا یکی از کتابهای احساسی است که نقد منتقدان، تعداد زیاد نسخه ها و ترجمه های متعدد آن بر موفقیت آن صحنه می گذارد. منتقدان، آندره موروا را به عنوان نویسنده ای کلاسیک در تحلیل روانشناختی ادبیات فرانسه محسوب می کنند که با الهام از راسین، مادام دولافایت، بژمن کنستان و پروست به توصیف عشق می پردازد. با وجود این میراث کلاسیک، موروا به خوبی توجه خوانندگان دوره بین جنگ جهانی را جلب نمود. در حقیقت حالات روانشناختی که پیشینیان ارائه داده بودند، با چارچوبی مدرن مطابقت داده است. این درآمیختگی سنت و تجدد در روایتی با زبان اول شخص بیان شده است تا نگاهی به زندگی عاشقانه فیلیپ مارسونا بیاندازد که فرزند یک خانواده اصیل، ثروتمند و مالک کارخانه کاغذ سازی لیموژن است. در بخش اول کتاب، همسرش ادیل به سبب سخت گیری های او به عشق دیگری پناه می برد و فیلیپ که حسادت رنجورش کرده است، در نهایت تن به جدایی می دهد. روایت اول با خودکشی اودیل به پایان می رسد.

روایت دوم توسط ایزابل دو شورنی، همسر دوم فیلیپ و مخاطب نامه های اعترافی قسمت اول نقل می شود. این بخش در بردارنده خاطرات مشترکی است که پس از مرگ فیلیپ در پی یک بیماری نوشته شدند. الگوی ازدواج قبل تکرار می - شود، اما این بار با نقشی معکوس از سوی راوی بیان شده است.

ازدواج های فیلیپ به عنوان ازدواج هایی عاشقانه معرفی می شوند و از آنجا که در درک ایدال گرایانه سنت عشق مطلق که از قرون وسطی تا رمانتیسم ادامه داشت، همپوشانی ندارد، بدیهی است که در مفهوم عشق ساختارشکنی شده است. زندگی عاشقانه اش با عنوان شوالیه ای فداکار تا پای جان شکل می گیرد. اما قبل از پرداختن به بحث اصلی، لازم است تا نگاهی مختصر به زندگی موروا بیاندازیم و در ادامه به تفصیل ویژگی روانشناختی کتاب را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

## مختصری از زندگینامه ی آندره موروا

آندره موروا نویسنده فرانسوی زاده ی بیست و پنجمین روز ژوئیه ی ۱۸۸۵ در البوف در فرانسه است. موروا مقاله نویس، نویسنده و حکایت پردازی است که تا زمان مرگش یکی از پر خواننده ترین و معتبرترین نویسندگان نسل خود، هم در فرانسه و هم در خارج از کشور بود و هریک از آثار نوشتاری و پژوهشی اش در جهان ادبیات اثری چشمگیر بشمار می آید. خانواده ی او مالک یک کارخانه ی نساجی بود که پس از پایان تحصیلاتش مجبور شد مسئولیت نظارت بر آن را بر عهده



بگیرد. او در جنگ جهانی اول، با کتاب خود با عنوان «سکوت سرهنگ برامبل» که در ۱۹۱۸ به چاپ رسید، قدم به جهان نویسندگی گذاشت. همان گام اولش گامی محکم شد و اثرش به خوبی دیده و خوانده شد. همین امر سبب شد تا از آثار دیگر موروانیز استقبال شود. آندره موروا با شعله‌ور شدن جنگ جهانی دوم، بار دیگر به نیروهای آزادی‌بخش ارتش فرانسه پیوست تا با نیروهای اشغالگر خاک کشورش مبارزه کند.

آندره موروا در اولین داستانش که در ۳۳ سالگی نوشت، توانست طرفداران بسیاری برای خود پیدا کند. از ویژگی‌های بارز داستان‌های موروا همزاد پنداری با شخصیت‌های اصلی است. دردهایش را از عمق جان درک می‌کنید، برایش اشک می‌ریزد و از اعماق وجودتان برای لحظات شادش شاد می‌شوید. این احساس عمیق با داستان به این دلیل است که نویسنده از دردهای واقعی می‌نویسد؛ یکی از رمان‌های مشهوری که این ویژگی دارد کتاب *در وادیهای عشق* است، تحلیلی اتوبیوگرافیک از احساسات رمانتیک که شاهکار او محسوب می‌شود. آندره موروا، بیشتر شهرت خود را مدیون همین زندگینامه است که از شیوه خاصی برخوردار بوده و او این ژانر ادبی را تنها آینه از حقیقت زندگی می‌دانست و مورد استقبال فراوان مردم قرار گرفت.

در قسمت اول، فیلیپ از ازدواجی عاشقانه با ادیل ماله روایت می‌کند. ادیل شیفته زندگی اجتماعیست و در کنار فیلیپ سختگیر احساس تنهایی و خستگی می‌کند و عاشق فرد دیگری می‌شود. در روایت دوم فیلیپ، همسر دومش ایزابل را در معرض حسادت قرار می‌دهد. هنگامیکه زن محبوبش از او دور می‌شود به ایزابل باز می‌گردد. اما این سرمستی یازافته به زودی با مرگ تمام می‌شود. در هر دو مورد ازدواج‌های فیلیپ به عنوان ازدواج‌های عاشقانه معرفی می‌شوند که با مفهوم عشق مطلق هماهنگ نیست چرا که به عنوان یکی از الگوهای برتر عشق از لانسوت دولاک (۱۷) الهام می‌گیرد و زندگی عاشقانه را در تحت لوای شوالیه نگهبان می‌بیند.

کتاب *در وادیهای عشق* مفهومی از عشق را با بسیاری از ویژگی‌های متعارف ارائه می‌کند که علیرغم کنش‌های جامعه مدرن انتخاب آزاد و ایده هویت فردی را بیان می‌کند. این هویت یابی بر سه محور اساسی بنا شده است. نخست بیانگر ازدواجی عاشقانه است، سپس تعمیم شکست عشقی یعنی شکست ازدواج عاشقانه و در نهایت تحلیل روانشناختی از عشق مطرح می‌شود.

### بازنمایی نشانه‌شناسی عشق

برای درک درست از نوآوری‌های موروا، باید تاریخ ادبی و گفت‌وگوهای زندگی عاشقانه را در نظر گرفت. از ابتدای این شور عاشقانه، رمان از یک سو نمونه‌های عشقی را ارائه می‌کند که اوج خود را در ازدواج می‌یابد، همانند ارک و ایواین



و از سوی دیگر الگو واره های اسطوره ای را برجسته می کند که با نام های تریستان و لانسولا مرتبط است. آنچه این دو متغیر را مرتبط می کند، نقش محوری موانع است. در مورد عاشقان مجرد که می تواند به ازدواج بیانجامد، این موانع از سوی والدین، رقبای عشقی و یا بد اقبالی پیش می آید. این امر بیشتر از هر موضوع دیگری متاثر از تفاوت در شرایط اجتماعی است. به ویژه از قرن شانزدهم و هفدهم با ادبیات بوکولیک با مانعی عاطفی و درونی مواجهه است که با محبت یک طرفه به وجود می آید و به این ترتیب ویژگی خاصی دارد. شناخته شده ترین این تجربه، مربوط به قهرمانان راسین، فدر و پیروس است. از این رو فقدان احساس عاشقانه در محبوب مانعی ابدی است که رنج او را شدت می بخشد. در چارچوب سنت های ادبی ازدواج و عشق متناقض تلقی می شود که غالباً به از دست دادن شور محبت میانجامد. درک تکامل مفهوم ازدواج عاشقانه در کتاب در وادیهای عشق لحاظ شده است.

فیلیپ از سبکسری هایش نا امید است و با دیدار ادیل عاشق او می شود؛ با این حال، تحقق این عشق بر خلاف سنتی که به آن متعلق است، بدون هیچ مانعی پیش می رود. هیچ مانع درونی هم وجود ندارد، از ابتدا احساسات خود را به اشتراک می گذارند که در نگاه اول عشق به نظر می رسد. "پس از ده دقیقه [...] به صمیمانه ترین محبت می رسند." (۲۹) در عشق مدرن، علاقه رابطه ای تنگاتنگ با تمایل در به اشتراک گذاشتن دنیای درون خود دارد. اینگونه است که عشق خود را با وعده خوشبختی نشان می دهد.

سهولت درک متقابل با نبود موانع خارجی همراه است. خانواده او دلیل از تصور این پیوند بسیار خرسندند. پدر و مادر فیلیپ بی میل ترند؛ اما در برابر خواسته او مقاومت جدی ندارند. به این ترتیب عشقی رمانتیک به طور کاملاً طبیعی به ازدواجی با پیامدهای گریز ناپذیرش منجر می شود.

پیش از هر صحبتی در باره پیامدها، شایسته است تا نگاهی به ازدواج دوم فیلیپ با ایزابل بیندازیم که راویترگر بخش دوم است. این دو در فضایی اجتماعی با یکدیگر آشنا می شوند که پس از جنگ کاملاً تغییر کرده است. ایزابل، دختر یک دیپلمات است و زندگی حرفه ای او در انستیتو پاستور پاریس ادامه دارد. بنابراین ایزابل تجسم زن مستقلی است که زندگی خود را تأمین می کند و علایقش، تنها به عشق محدود نیست. با این حال رابطه این دو هم در لوای از عشق شکل می گیرد. در حالی که در یک سالن اپرا به *والکری* واگنر گوش می دهند دستانشان به هم رسد. این بار هم عشق بیش از هر چیز دیگری مستلزم شناخت دنیای درونی شخص مقابل است. ایزابل که تا حدودی زندگی سختی دارد، تحت طلسم فیلیپ قرار می گیرد که برای او وعده یک زندگی مرفه تر و پر شور را می دهد. او نه تنها به خواندن کتاب های مورد علاقه اش مجذوب شده است بلکه به خود اجازه می دهد تا با درک زیبایی های دنیای بیرونی در تمایلات او سهیم شود: "نقطه ای از یک گل در امتداد دیوار خاکستری، گوشه ای از رود سن که از ورای پنجره ای از جزیره سنت لوئیس می



بیند، باغی پنهان پشت کلیسا" (۱۵۰) اکنون هیچ مانعی نیست. هر دو می توانند مستقل تصمیم بگیرند. در این مورد هم عشق به ازدواج ختم می شود و مفهومی متعالی می یابد. اکنون زندگی عاطفیشان با دستمایه ای فرهنگی در آمیخته شده است تا مسیر عشق را در چارچوب الگوی ازدواج زندگی کنند.

### تعهد گریزی

در این کتاب پیوند عاشقانه دو بار از هم پاشیده شده است. این بدان معناست که جنبه ای عادی دارد و با نتایج فاجعه باری همراه نیست. مشکل اساسی تعهد گریزی است که در رابطه عاطفی ایجاد شده است. برای درک درست این دگرگونی، تاریخ ادبی بهترین راه حل را مرگ عاشقان می داند. کتاب های تولستوی و فلورن نمونه هایی متعارف آن است. تعهد معیاری برای سنجش عشق است و تعهد گریزی پیامدهای به بار می آورد که معیاری برای قداست بخشی به عشق محسوب نمی شود.

اگر این روایت تعهد گریزی الگویی واقع گرایانه به خود بگیرد و بازتابی از تلاش های فرار یک زن جوان ناامید از رابطه زناشویی اش، در کنار همسری کسل کننده به خود بگیرد، جهت گیری دیدگاه تغییر نمی کند و جانب شوهر فریب خورده را دارد. از این رو کارکرد انتخاب دیدگاه به وضوح مشخص است و امکان تحلیل روانشناختی حسادت را فراهم می کند که در تاریخ ادبیات نمونه های آن، از راسین و مادام دولافایت به استاندال و پروست منتهی می شود. آنچه در خصوص شخصیت های موروثی دارد ترکیب تعهد گریزی زن و رنج های مردی است که تاب این بی وفایی را ندارد، با این حال نه به خودکشی میانجامد و نه به دوئل و طرد اجتماعی مانند افی بریست؛ بلکه به جدایی می رسد که به هر دو شریک این امکان را می دهد که به زندگی خود ادامه دهند.

بخش دوم رمان، در پی تایید تصویر جدیدی از عشق و ازدواج است. با توجه به الگوی نقش های معکوس حاکم بر روابط دو طرف، این بار فیلیپ زندگی زناشویی را به خطر می اندازد. اما این رابطه پرشور در سایه باقی می ماند، زیرا با این که ایزابل از بی وفایی فیلیپ مطلع است، از جزئیات رابطه نمی داند. بی وفایی و تعهد گریزی که پیش از این در مورد اودیل ذکر شده بود، اکنون بنیادی تر است. این موضوع از این حقیقت ناشی می شود که بی وفایی مردان به طور معمول پیش پا افتاده تر است و "مردان هیچ گاه وفادار نیستند" (۲۰۴) این طرز فکر که با فهم سنتی دیکته شده است، با امکانات زندگی مدرن تقویت می شود. یک بار، ایزابل که تلفنی با فیلیپ تماس می گیرد، این امکان را دارد تا به مکالمه فیلیپ و سولانژ گوش دهد، زیرا به طور اتفاقی به آن خط متصل است. در این خصوص عنوان شریک فریب خورده، همانند قسمت



اول یک چالش واقعیت. اما ایزابل به عنوان یک همسر فریب خورده، این شانس را ندارد که حسادت بزرگ شاهزاده خانم های راسین مانند فدر را تجربه کند. اما بواری و افی بریست هم خوشبخت نمی شوند. موروا امکان کنترل جزئی - که سبک ایزابل نیست - به او می دهد تا بتواند وضعیت گذشته اش را تحلیل کند و بنابراین از قضاوت نامطلوب خواننده جلوگیری کند. گرچه سخاوت ایزابل که بدون هیچ رنجشی، بازگشت فیلیپ را پذیرفته است، اندکی آرمانی تلقی می شود.

### تحلیل روانشناسی عشق

موروا همانند پروست، تحلیل های روانشناختی برای عشق ارائه می دهد ولی آن را برخلاف پروست در چارچوب ازدواج شکل می دهد و ترجیح می دهد شکست روابط عشقی را با قوانین روانشناختی توضیح دهد و آن را به عنوان پدیده ای روانی در روابط اجتماعی در نظر بگیرد. درک روانشناختی رابطه عاشقانه در ازدواج دارای دو مولفه نزدیک به هم است. اولین مورد از قانون روانشناختی نشات می گیرد که فیلیپ در دفترچه خاطراتش به نقل از ایزابل مطرح می کند: " در این کمده عشق، ما به تناوب نقش محبوب ترین و کمتر دوست داشتنی را ایفا می کنیم." (۱۵۹)

در حالیکه در رابطه با اودیل، فیلیپ با نگرانی به دنبال کارهای اودیل در غیاب خودش بود، در برابر ایزابل موقت محبوب ترین را دارد: "اکنون منم که در حال بازگشت به خانه بعد از یک روز طولانی مجبور شدم تا ساعت به ساعت آنچه را انجام داده ام به تفصیل توضیح دهم." (۱۶۷) این گونه است که عشق بیش از هر چیز دیگری به عنوان "میل به دوست داشته شدن" ظاهر می شود. لذا هدف عاشقان عشق ورزیدن نیست، بلکه دوست داشته شدن است. این نقش عمده حسادت را در بازنمایی عشق در قرن کلاسیک توضیح می دهد، زیرا حسادت، واکنشی برای عشق به خود است که از ترجیح علاقه دیگری به ناشکیبایی رسیده است. ایزابل، شفاف ترین شخصیت رمان، از چگونگی کارکرد حسادت مطلع است. هنگامی که فیلیپ از رابطه های پنهانش آگاه می شود متوجه این شانس هست با این حال از این مکر صرف نظر می کند و این عقیده را تایید می کند که "عشق چیزی بزرگتر از این نبرد بی رحمانه بین عاشقان است." (۲۱۶)

مولفه دوم روانشناسی عشق که موروا ارائه و پیشنهاد می کند، به تصویرشناسی عشق، جنبه مدرن تری می بخشد. در ابتدای رمان با لحنی پروستی این توصیف را ارائه می کند: "روح زنان متحمل تصاویر پیوسته مردانی است که آن ها را دوست داشتند؛ همانگونه که تمایلات مردان متأثر از رنج های زنانی است که پشت سر گذاشتند و به این ترتیب عامل عشقی می شود که به دیگری القا می کنیم و یا بدبختی که به همراه می آوریم." (۲۳-۲۴) این تصاویر که زندگینامه عاشقان را



تشکیل می دهد به نقش های مختلفی که در اینجا به عنوان یک انتقال رنج نام برده می شود، محدود نمی شود و با کنش تعامل سلیقه ها برای گذر از مفهومی انتزاعی به واقعیتی ملموس بیان شده است.

آخرین جنبه مدرن، مربوط به ویژگی دیاکرونیک زنجیره عشق است که در طول رمان موروا شکل می گیرد. اگر الگوی زنجیره ای آندروماک راسین را در نظر بگیریم، متوجه می شویم که بی ثباتی روابط عاشقانه با مجموعه ای از شخصیت ها همزمان پیش می رود. اورست عاشق هرمینی است که پیروس را دوست دارد و او نیز عاشق آندروماک است و این در حالی است که سرنوشت این عاشقان به تصمیمات همسر تروا وابسته است. زنجیره عشق در رمان در وادیهای عشق به عنوان یک فرا فکنی دیاکرونیک این ساختار شکل می گیرد. به این ترتیب نقدی از عشق مدرن را ارائه می دهد که در عین بیان تغییرات اجتماعی نیمه اول قرن بیستم، سنت ادبی تحلیل روانشناختی فرانسه را احیا می کند.

## نتیجه گیری

در این مقاله به مطالعه و بررسی ویژگی روانشناختی رمان در وادیهای عشق پرداختیم و نشان دادیم که تجزیه و تحلیل روانشناختی قهرمان داستان از نقطه نظر درستی و حقیقی بودن، سنت کلاسیک را در بازتابی از نوگرایی آشکار می کند. تحلیل های دقیق روانشناختی با روایت هایی از دو دیدگاه به سه مبحث محدود است: زندگی خصوصی، رفتار مدنی و جستجوی خوشبختی. نویسنده با به تصویر کشیدن ویژگی های عشق و حسادت در شخصیت های رمانش، حقایق اخلاقی را آشکار می کند. او نمی تواند وجودی را بدون عشق تصور کند، با این حال نهاد ازدواج را مقدس می داند و معتقد است بی وفایی ما را به نیستی می کشاند. او با مطالعه دقیق افکار و احساسات درونی شخصیت ها، به این اصل بنیادی می رسد که انسان به عنوان یک شهروند، برای عمل و زندگی، باید بخش بزرگی از قوانین اجتماعی و اخلاقی را که بشریت پیش از او ضروری می داند، بپذیرد. موروا اندیشه بسیار متعالی از زندگی را در ادبیات گنجانده است. به گفته او نویسنده باید به نوعی سفیر روح باشد تا به ما بیاموزد که این امر شگفت انگیز و اسرار آمیز به نام زندگی را در تمام جنبه های آن بهتر درک کنیم. هدفش آموزش است و این موضوع دقیقاً یکی از جنبه های اساسی کار او در تامل اخلاقیست. از این رو موروا بخشی از سنت بزرگ اخلاق گرایان فرانسویست.



## مراجع

Wolfgang, Matzat. (2005). "Le roman d'adultère: réflexion typologique à propos de Madame Bovary et d'Effi Briest", Cahiers d'Études Germaniques, pp. 189-202.

Wolfgang, Matzat. (2008). "Continuité et transformation du discours français sur l'amour", Cahiers d'Études Germaniques, pp. 9-19.

Maurois, André. (1935). "Aspects de la biographie", Paris: Grasset & Fasquelle.

Suffel, Jacques. (1963). "André Maurois", Paris: Flammarion.

Kaufman, Judith. (1980). "Aspects d'André Maurois biographe", Paris: Ophrys.

Laurent, Thierry Jacques. (2016). "André Maurois, moraliste", Paris: L'Harmattan.

". در وادیهای عشق"، ترجمه مریم هوشیار، چاپ اول، تهران: امیرکبیر. آندره موروا، (۱۹۲۸)